

کنش دینی و نوسازی عقل

طاها عبدالرحمن
ترجمه هادی بیگی

بیداری دینی آگاهانه؛ هدف کتاب «کنش دینی و نوسازی عقل»

کتاب «کنش دینی و نوسازی عقل» نوشته طاها عبدالرحمن و ترجمه هادی بیگی توسط نشر ترجمان علوم انسانی به چاپ رسیده است.

کتاب «کنش دینی و نوسازی عقل» نوشته طاها عبدالرحمن و ترجمه هادی بیگی توسط نشر ترجمان علوم انسانی به چاپ رسیده است.

به گزارش خبرنگار مهر، «بیداری دینی» ای که جهان اسلام در دو دهه اخیر از سر گذرانده است نزد موافقان و مخالفان، موضع گیری و تفاوت و متباینی برانگیخته است. این موضع گیری و تفاوتها، حتی اگر باعث افزایش اشتباهات و وقوع فتنه نشده باشد، بیداری دینی را از عواقب خود بی و نصیب نمی گذارد.

این بیداری عقیدتی، به رغم گسترش در آفاق عالم و تاثیرگذاری آن بر انسانها، نیازمند پشتوانه ای فکری است که بنابر اختصاصات روش و معیارهای علمی جدید تحریر شود، ولی ما نزد اصحاب این بیداری، چارچوب روش و شناختی استوار، نظریه پردازی متمرکز و آگاهی بخشی فلسفی تاسیسی ای نمی بینیم. مسلمان آگاهی که در دو پدیده سوال و برانگیز و تفاوت در اختلاف مذهبی و فقدان پشتوانه فکری و نظر می و کند امکان ندارد در نتایج وخیمی که ممکن است بر این دو پدیده مترتب گردد اندیشه نکند و دیرزمانی به بدترین شکل این نتایج، یعنی بازگشت به ماقبل بیداری، نیندیشد.

از این رو، بی درنگ این بیداری عناصر خود را به اجتهاد برای فراچنگ آوردن ابزارهایی فرا می خواند که باعث دفع عوامل به و قهقرارفتن این نمایش اسلامی می شوند. این ابزارها که اسباب انسجامند این حرکت را از چندپارگی و پراکندگی مصون می دارند. آنها اسباب نوسازی محسوب می شوند و از این رهگذر از حرکت یادشده در برابر جمود و ایستایی محافظت می کنند. با این وصف، چه کنیم که این بیداری هم منسجم و یکدست شود و هم نوزا و ناپایستا؟ یا به عبارتی، چگونه این بیداری را آگاهانه سازیم؟

هدف اصلی در کتاب «کنش دینی و نوسازی عقل» آن است که به بیان شروط انسجام و بخش و نوسازانه ای پردازیم که در آگاهانه و ساختن این بیداری دینی لازم است. دستیابی به این هدف متضمن بررسی دو گونه اساسی از این شروط است که یکی تحت عنوان «تجربه» و دیگری تحت عنوان «تعقل» قرار می گیرد.

کتاب دربرگیرنده سه باب است؛ باب اول «عقل مجرد و حدود آن»؛ باب دوم «عقل مسدود و آفات آن» و باب سوم «عقل موبد و کمال های آن» می شود. در هر باب سه فصل قرار داده شده است. باب اول به بررسی عقل مجرد و حدود آن اختصاص دارد. فصل اول این باب مشتمل است بر دو مقدمه که عقل مجرد به آن ها استناد دارد و عبارت است از اینکه عقل مجرد نه ذاتی از ذوات بلکه فعلی از افعال است و اینکه محدودیت هایی بر این فعل عارض می شود که برخی از آنها خاص و برخی عام اند.

فصل دوم شرحی است بر محدودیت های خاص عقل مجرد در پرتو ممارست نظری اسلامی. فصل سوم به بیان محدودیت های عام این عقل می پردازد. این محدودیت ها شامل محدودیت های منطقی، واقعی و فلسفی بوده و گریبان گیر فعالیت های علمی هستند.

باب دوم به نظر در عقل مسدود و آسیب های آن می پردازد. به این منظور فصل اول آن مشتمل بر دو مقدمه است که عقل مسدود بر آنها تکیه دارد. این دو مقدمه عبارتند از اینکه نخست عقل مسدود عمل شرعی را پذیراست و دیگر اینکه این عقل در معرض آسیب های اخلاقی و علمی است.

فصل دوم به آسیب های اخلاقی و از جمله به تظاهر و تقلید با توجه به ممارست فقهی می پردازد. فصل سوم نیز به بررسی آفات علمی و از جمله انتزاع گرایی و سیاست گرایی از رهگذر ممارست سلفیه می پردازد.

باب سوم به عقل موید و کمالات آن اختصاص دارد. فصل اول این باب مشتمل بر دو مقدمه است که این عقل بر آنها استوار است: اول اینکه این عقل مبتنی بر تجربه زنده است و دیگر اینکه این عقل کمالات تحقیقی و اخلاقی ای را می طلبد که در ممارست صوفیه جلوه گر شده است.

فصل دوم به کمالات تحقیقی ای می پردازد که مشروط به اصل تحقق افضل و اصل تخلق اکمل است. فصل سوم اما متعرض کمالات اخلاقی شده و به بیان نقش الگو در تربیت دینی و کارکرد بیان اشاری در این نوع از تربیت پرداخته و به ویژگی ای اشاره می کند که برای ماموریت ارشاد اخلاقی الزامی است. همچنین به پیامدهای تصدی این منصب توسط ناهلان می پردازد.

از مطالب این کتاب روشن می شود که عقل درجاتی دارد و بالاترین این درجات در عقلانیت مرتبه ای است که تجربه ایمانی زنده را پایه و اساس قرار دهد.

در بخشی از این کتاب درباره شروط کمال عقل آمده است: «واجب است که در ممارست عقلی علم از عمل جدایی نداشته باشد. عامی را سراغ نداریم که مردم به آموزه های آن رجوع کنند الا اینکه میان علم و عمل پیوند برقرار کرده باشد. این رابطه را به شکل های گوناگونی تعبیر کرده اند مانند اینکه علم ریشه عمل و عمل همه علم است یا علم باعث عمل است یا کمال علم در اتصاف عملی به آن است. پس هر معرفت عقلی کاملی به ناچار باید از سطح نظر مجرد به سطح تخلق رفتاری کشیده شود، حتی هرچند که عملی نظری یا ابزاری مانند زبان، منطق و ریاضیات باشد، چراکه تخلق به آن باعث رسوخ معانی و ارزش ها در آن معرفت می گردد و همین رسوخ است که آن را از نقایص شیوه نظری محض حفظ می کند.»

کسی که افق دیدش را در سطح مجرد تعریف کند بهره ای از شناخت این ریشه نخواهد داشت زیرا او به کلی از دایره عمل بیرون است. همچنین کسی که در سطح عقل مسدود بماند از اینکه ناخودآگاه در ادعای علوم یا مراتبی قرار گیرد که اتصاف به آنها نداشته باشد در امان نخواهد بود.»

کتاب «کنش دینی و نوسازی عقل» نوشته طاها عبدالرحمن در ۲۸۷ صفحه، توسط نشر ترجمان علوم انسانی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.